

مروری بر راهبردهای تربیتی معرفت امام زمان (عج) با تأکید بر خانواده

تاریخ دریافت ۱۳۸۹/۳/۱۷، تاریخ پذیرش ۱۳۸۹/۷/۵

مریم سالم*

چکیده

با نگاهی به جامعه اسلامی و بنا به مستندهای متعدد می‌توان دریافت که یکی از اهداف رسیدن به جامعه‌ای ایده‌آل، هدایت نسل‌ها به سمت انتظار حضرت «مهدی موعود» (ع)، است. این امر در جامعه شیعی ایران اسلامی بیشتر نمود پیدا می‌کند؛ زیرا این جامعه درصدد فراهم کردن زمینه‌های ظهور است و تحقق ظهور را در گرو تربیت نسل منتظر می‌داند. نسلی که با تمام وجود منتظر ظهور بر حتش را است تا پذیرای وجود مقدسش باشد. از این رو برنامه‌های راهبردی بسیار دقیق و عالمانه به‌خصوص در حیطه تربیتی، لازم است، تا بتوان براساس آن به هدف والای تحقق آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی به رهبری «امام خمینی» (ره) و مقام معظم رهبری دست یافت. اولین بعدی که توجه به آن در تربیت دینی اهمیت دارد، بعد فردی است که توجه به خانواده، به‌عنوان اولین بستری که شاکله فرد را ایجاد می‌کند از اهمیت بسزایی برخوردار است. این مقاله مقدمه‌ای است برای تبیین راهبردهای تربیتی معرفت «امام زمان» (عج) با رویکردی که در بالا گفته شد.

کلید واژه‌ها

تربیت، تربیت دینی، معرفت، معرفت امام، برنامه‌های راهبردی

* دانشجوی دکتری دانشگاه تربیت مدرس / عضو هیئت علمی گروه مطالعات راهبردی مهدویت، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
mismsalem@yahoo.com

مقدمه

درباره تربیت، تربیت دینی، معرفت امام و معرفت «امام زمان» (ع) بسیار سخن گفته شده و در بسیاری از این آثار، ضرورت معرفت امام از لحاظ عقلی و نقلی اثبات شده است؛ اما آنچه نیازمند تحقیق و تفحص است و تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته، کشف و شناسایی ارتباط معرفت و تربیت به خصوص در حیطه امام‌شناسی است. یک پژوهشگر در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی از این حقیقت غافل نیست که امید به آینده‌ای روشن تا چه حد می‌تواند روان آدمی را آرام و ذهن وی را متمرکز بر امور روزانه نماید و او را از تشویش‌های نگران‌کننده روحی و روانی که قدرت هرگونه عمل مثبت را از وی می‌گیرد رها نماید.

در میان تمام امیدها به آینده، امید به ظهور امام معصومی که درهای جهالت، ناامیدی، غفلت، گناه و سیه‌روزی را از بین می‌برد، تا حد فراوانی به تربیت نسلی سالم و با نشاط کمک می‌کند. بنابراین معرفت به «امام زمان» (عج) در هر دوره‌ای، به خصوص معرفت به امام «مهدی» (عج) در عصر غیبت، آثار تربیتی مهمی دارد که پرداختن به آن‌ها برای داشتن جامعه‌ای سالم، لازم است. اما نکته مهم‌تری که قبل از پرداختن به آثار منبعث از معرفت، باید به آن پرداخت، آن است که چگونه این معرفت و لزوم آن باید از سوی نسل‌ها پذیرفته و حاصل شود؛ چه برنامه‌هایی لازم است تا بتوان با توجه به آن‌ها نسل‌ها را به سمت معرفت «امام زمان» (عج) هدایت کرد و با ایجاد معرفت به امام عصر (عج) و محبت به ایشان، نسلی منتظر بار آورد.

بنابراین ما با دو بعد تربیتی در این زمینه روبرو هستیم: تربیت نسلی که عارف به «امام زمان» (عج) شود و بررسی آثار تربیتی نسلی که به این معرفت دست یافته‌اند. در حیطه نظری بعد دوم، یعنی بررسی آثار تربیتی منبعث از امام (عج) مقدم بر بعد اول است؛ چرا که با بررسی آثاری که مترتب بر معرفت به «امام زمان» (عج) می‌باشد به این نتیجه می‌رسیم که باید در فکر ارائه راهبردهایی باشیم که بتواند جامعه را به آن سمت سوق دهد. اما در حیطه

مروری بر راهبردهای تربیتی معرفت امام زمان ... ❖ ۱۱۵

عملی بعد اول مقدم است و باید ابتدا راهبردها بررسی شود تا بتوان به هدف مدنظر که همان تربیت نسل منتظر است، رسید. بنابراین در این مقاله سعی داریم ضمن بررسی معنای تربیت و معرفت، به خصوص در حیطة دینی، این راهبردها را در حوزه خانواده، مرور کنیم. برای رسیدن به این منظور لازم است ابتدا مروری داشته باشیم بر کلید واژه‌های اصلی موضوع راهبردهای تربیتی معرفت «امام زمان» (ع) تا بتواند ما را در درک صحیح این موضوع کمک کند.

مفهوم تربیت

تربیت^۱ در اصل کلمه‌ای عربی از ریشه «ربو» است که در باب تفعیل صرف شده و مصدر آن بر وزن تفعله آمده است.

در لغت معنای مشخصی برای این ریشه ذکر نشده است، اما در مشتقات آن معنای فزونی و زیادت در مال، جسم و پرورش کودک دیده می‌شود (انیس، ۱۳۹۲ ق: ۳۲۱؛ الفیروز آبادی، ۱۴۲۰ ق: ۳۲۱؛ المنجد: ۲۴۷؛ فرهنگ مصادر اللغة: ۱۷۵) و می‌توان نتیجه گرفت تربیت به معنای فراهم آوردن موجباتی است که باعث فزونی یافتن پرورش کودک می‌شود. (دهخدا، ۱۳۷۷)

واژه تربیت واژه‌ای عام است که با رویکردهای مختلف مقید می‌شود؛ برای نمونه، «دهخدا» زیر واژه ترکیبی «تربیت روانی»، این نوع خاص تربیت را این‌گونه تعریف می‌کند: «اصولی که براساس آن می‌توان روان کودک را تا سر حد کمال از انحراف و گرفتار شدن به عقده‌های روانی و جزو آن باز داشت و استعدادهای مختلف آنان را در جهت صحیح هدایت کرد.» (دهخدا: ۱۳۷۷، ج ۵: ۶۶۰۲)

تربیت را گاهی از ریشه مضاعف «رب» نیز می‌دانند که بیشتر به معنای سیادت، ریاست، برتری و صاحب بودن است و گاه در معنای جمع کردن و یا تطهیر کردن روغن به‌کار

۱۱۶ ❖ نامه پژوهش فرهنگی

می‌رود. (انیس: ۱۳۹۲ ق: ۸۲)

این معنا از تربیت، با معنای مصطلح، قرابت چندانی ندارد. گاه تربیت مترادف تزکیه دانسته شده و معنای یکسانی به این شرح برای آن دو ذکر می‌شود: پاک گردانیدن، به صلاح آمدن و رشد یافتن نفس، مال و کشت و زرع و همچنین به معنای ستودن نفس و خودستایی و به ناز زیستن در فراوانی است. تربیت مترادف با تهذیب هم گرفته شده است که به معنای زدودن خصوصیات ناپسند اخلاقی و فزونی مقام و منزلت معنوی است. (رحیمی، ج ۷: ۲۹۷)

با توجه به معانی ذکر شده مفهوم تربیت بار معنایی مثبتی دارد و به معنای ایجاد، پرورش و یا افزایش صفات نیکو در فرد است.

تربیت در حوزه‌های مختلف و با معانی گوناگون به کار می‌رود که ما به بررسی برخی از آن‌ها که با موضوع مورد بحث مرتبط است می‌پردازیم.

تربیت در قرآن و عرفان اسلامی

واژه تربیت با ریشه ربو، در قرآن معنای محدودی دارد و بیشتر رشد و نمو جسمی را شامل می‌شود (مثلاً اسراء: ۲۴) اما با ریشه ربّ که به معنای مالک و صاحب مدبر است در قرآن بسیار به کار رفته که تنها بر خداوند متعال منطبق است. بنابراین تربیت قرآنی نیز چیزی نیست جز تن دادن به این حقیقت که خداوند متعال تنها ربّ حقیقی همه ابنای بشر است و جز او کسی صلاحیت این مقام را ندارد. (باقری، ۱۳۸۶: ۵۴ - ۴۵)

با این بیان، موارد استعمال رب در قرآن، قابل تأمل در امر تربیت است. انسان ابتدا باید به مقام شناخت برسد و آگاه شود که چرا ربوبیت در شأن خداست و چرا باید انحصاراً او را یگانه رب هستی دانست و سپس در راستای شناخت خویش عمل کرده و از راه تطهیر و تزکیه، تن به این ربوبیت دهد. بنابراین شناخت، تطهیر و تزکیه از لوازم بحث تربیت است. با این تعریف، تربیت در کودکی میسر نخواهد شد و در این دوره تنها مقدماتی و تمهیداتی

مروری بر راهبردهای تربیتی معرفت امام زمان ... ❖ ۱۱۷

فراهم خواهد شد تا در دوره‌های بعد، تربیت اسلامی به بهترین شکل نمود پیدا کند.
(باقری، ۱۳۸۶: ۵۵)

به علت قرابت معنایی شدید تزکیه با تربیت، در کتب دینی، این دو به جای هم استعمال می‌شوند و معنای واحدی از آن‌ها اراده می‌شود. کلمات هم‌خانواده تزکیه در قرآن بسیار به‌کار رفته‌اند و به معنای پالایش نفس از گناه و خوی‌های ناپسند یا پالایش مال از چیزهای حرام و فاسد است که جز به فضل خداوند امکان پذیر نیست. (نساء: ۴۹) (رحیمی، ج ۷: ۲۷۹)

در عرفان نیز منظور از تربیت همان تزکیه است، به معنای زدودن نفس و تخلیه آن از عقاید باطل و اوصاف مذموم، میراندن هوای نفس، تربیت کردن و به صلاح آوردن نفس و از صفت اماره به مطمئنه رسانیدن آن. هیچ سالکی بی‌نیاز از تزکیه نیست، چرا که اشراق انوار الهی از طریق تطهیر قلب و تزکیه امکان‌پذیر است. (شمس، ج ۷: ۲۸۱)

تربیت در روانشناسی و فلسفه تعلیم و تربیت

تعاریف متعددی از تربیت در این حوزه ارائه شده است که می‌توان با توجه به عواملی مثل، اختیاری بودن، آگاهانه بودن، رشد در جهت مطلوب، هدفدار بودن و ...، که در امر تربیت مؤثر بوده و در کتب تعلیم و تربیت بسیار از آن صحبت شده، این تعریف را ذکر کرد: «فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل به فعالیت رساندن یا شکوفا کردن استعدادهاى شخص در جهت رشد و تکامل اختیاری او به سوی هدف‌های مطلوب و بر اساس برنامه‌های سنجیده شده. این برنامه‌ریزی باید آگاهانه باشد و برای رسیدن به هدفی که همان وضع نهایی، مطلوب و سودمند است، از روی قصد صورت گیرد.» (داوودی، ۱۳۸۳: ۲۳)

تربیت در حوزه‌های دیگر نیز معانی خاصی می‌یابد؛ مثلاً در سیاست، تربیت سیاسی واجد اهمیت بوده و تربیتی است که به موجب آن می‌توان به اهداف سیاسی نایل شد. در اقتصاد نیز، تربیت اقتصادی، در فرهنگ، تربیت فرهنگی و ... بحث می‌شود که چون از موضوع بحث ما خارج است، از پرداختن به آن‌ها صرف‌نظر می‌کنیم و به سراغ تربیت در حوزه دین می‌رویم.

۱۱۸ ❖ نامه پژوهش فرهنگی

مفهوم تربیت دینی

یکی از حوزه‌هایی که تربیت به‌طور مستقیم با آن ارتباط دارد، دین است که با سرشت آدمی در هر زمان و مکانی عجین بوده است؛ از این رو همیشه و همه جا تربیت دینی مدنظر متفکران بوده است.

با توجه به عواملی که در امر تربیت مطرح است، دین، الهی یا غیر الهی، بهترین بستری است که تربیت می‌تواند در آن به اهداف خود نائل شود، چرا که با فرهنگ مردم عجین می‌شود و به زندگی آن‌ها سمت و سو می‌دهد، در نتیجه، تربیت دینی از مهم‌ترین ابعاد تربیتی است. دین اگر الهی باشد، با منبع و حیانی که دارد، هدفش چیزی جز سعادت انسان‌ها نیست، سعادت که زندگی دنیوی و اخروی را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. بنابراین درست و خوب زندگی کردن در دنیا و آخرت و انسان پروری، مآل ادیان الهی است و با هدف تربیت که رسیدن به وضع مطلوب متعالی است، یکی می‌شود. (باقری، ۱۳۸۶: ۸۲ - ۴۲)

بنابراین دین می‌تواند بسیاری از راهبردهای تربیتی را به جوامع ارائه دهد، کما اینکه با مروری بر نظام‌های تربیتی جوامع، این امر به وضوح دیده می‌شود و نظام‌های سکولار و لاییک نیز، فراتر از لفظ، در عمل نتوانسته‌اند خود را بی‌نیاز از راهبردهای تربیتی دینی بدانند، چرا که دین با فطرت انسان‌ها عجین شده است و هیچ‌گاه و هیچ کجا نمی‌توان انسان را از فطرتش جدا کرد.

به طور کلی تربیت دینی را اینگونه می‌توان تعریف کرد: «مجموعه اعمال عمدی و هدفدار، به‌منظور آموزش گزاره‌های معتبر یک دین به افراد دیگر، به نحوی که آن فرد در عمل و نظر به آن آموزه‌ها متعهد و پایبند گردد (داودی، ۱۳۸۳: ۲۶) این تعریف از تربیت دینی در همه ادیان صادق است.

معارف اسلامی عمدتاً در سه محدوده کلی اعتقادات، اخلاقیات و احکام قرار می‌گیرند. اعتقادات و عبادات مهم‌ترین بخش‌های تربیت دینی را شامل می‌شوند که پژوهش ما معطوف

مروری بر راهبردهای تربیتی معرفت امام زمان ... ❖ ۱۱۹

به تربیت دینی در بعد اعتقاداتها، در قسمت امامت و منحصرأ امام دوازدهم، حضرت «مهدی» (ع) می‌شود.

ضرورت تربیت دینی

با توجه به بستر کلامی - فلسفی که جامعه تربیتی اسلامی ما با آن خو گرفته است، نفس انسان حادث است و با حدوث بدن حدوث می‌یابد، بنابراین در آغاز ولادتش فاقد هرگونه علم و ادراکی است و برای زندگی کردن در کنار دیگران نیازمند تعلیم و تربیت است. (نحل: ۷۸)

تربیت صحیح می‌تواند فرد را به اوج ارزش‌ها برساند و اگر به غلط صورت گیرد وی را به سقوط می‌کشاند. از این رو مکتب اسلام در تمام مراحل و مقاطع زندگی، از قبل از ولادت تا سنین رشد و بعد از آن دستورهای ویژه‌ای داده است تا انسان‌سازی به بهترین شکل صورت گیرد.

تربیت آنقدر مهم است که تعلم به خاطر آن صورت می‌گیرد و این امر مختص مکتب اسلام و دین خاصی نیست و هیچ کس خود را بی‌نیاز آن نمی‌بیند. به‌عنوان مثال «افلاطون» از مدینه فاضله صحبت می‌کند و «ارسطو» اخلاق نیکوماخوس را می‌نگارد و در دوره یونانی‌مآبی (چهار قرن قبل از میلاد «مسیح» تا قرن پنجم میلادی)، اخلاق و مکارم اخلاقی به قدری واجد اهمیت می‌شود که علم منطق و طبیعیات، فقط به خاطر اخلاق مطالعه می‌شود و فلاسفه هم در نظر و هم در عمل به اخلاقیات بسیار پایبند بودند. پس از آن، در دوره قرون وسطی و حتی رنسانس، مسائل اخلاقی جزو اهم مباحثی بود که فیلسوف خود را ملزم به بحث از آن می‌دانست. بنابراین تربیت، ویژه قوم و ملت خاص نیست. هرکس با هر عقیده، سلیقه و طرز تفکری، لاقلاً به اهمیت آن در زندگی اجتماعی خود اذعان دارد و آن را وسیله‌ای می‌داند برای آسوده زیستن در کنار دیگران.

تربیتی که مبنای آن دین نباشد جز برای اهداف مادی و گاه سودجویانه به کار نمی‌آید و

❖ ۱۲۰ نامه پژوهش فرهنگی

حتی برای تأمین زندگی اجتماعی نیز به کار نمی‌آید، چه رسد به تأمین زندگی معنوی و سعادت اخروی. زندگی سراسر ماشینی امروزی و بحران‌های روحی فراوان که نتیجه تحرک نداشتن جسم و عقل است، نیاز انسان امروزی به تربیت را چند برابر می‌کند. اما ناکامی مکاتب تربیتی موجود در رفع این نیاز سبب شده است که روز به روز جایگاه تربیت دینی، تربیتی که سرچشمه آن وحی است، پررنگ‌تر و نیاز به آن بیشتر شود و انسان‌ها ادعان کنند که تمام دستورهای اخلاقی و تربیتی که ریشه وحیانی نداشته‌اند، کامل و وافی نبوده‌اند و اینجاست که ضرورت تربیت جای خود را به ضرورت تربیت دینی می‌دهد.

از طرفی یکی از اهداف انسان تشبه به عللی است که از آن‌ها آفریده شده است و سرسلسله این علل، ذات باری تعالی قرار دارد. لذا انسان دائم در تلاش است تا خود را به این سرچشمه برساند و این امر جز با تربیت دینی و پذیرش آن توسط عقل امکان‌پذیر نیست. اگر انسان در این تلاش فطری و طبیعی‌اش به خوبی رهنمون شود، راه را می‌یابد و اگر به حال خود رها شود و یا تحت تربیت ناصحیح قرار گیرد، نه تنها راه هدایت را نمی‌یابد که به گمراهی نیز کشیده می‌شود. هدف از تعلیم و تربیت، رستگاری انسان است که جز از طریق تربیت دینی میسر نخواهد شد.

متفکران عصر رنسانس که به ظاهر می‌خواستند خود را از اسارت دین برهانند و درصدد رواج بی‌دینی و شکوفا کردن علم بودند، هرگز نتوانستند به نقش دین در تربیت صحیح افراد جامعه با بی‌اعتنایی نظر کنند و لازمه تربیت صحیح و همه‌جانبه را تربیت انسان در ابعاد سه‌گانه عقلانی، اخلاقی و دینی دانستند؛ چنین تربیتی صحیح و شایسته است نه هر تربیتی و انسان‌ها باید تلاش کنند وسایل تحقق چنین تربیتی را فراهم کنند. از این‌رو تربیت انسان‌ها از قبل از ایجاد نطفه، بررسی و مورد دقت واقع شد تا طبیعت انسان با چنین تربیتی خو گرفته و رشد نماید. بنابراین راهنمایی‌هایی برای ازدواج، تشکیل خانواده و بارداری؛ تربیت کودک در دوران طفولیت، بلوغ و نوجوانی، جوانی، دوران بزرگسالی و پیری مورد توجه اندیشمندان قرار گرفت.

مروری بر راهبردهای تربیتی معرفت امام زمان ... ❖ ۱۲۱

دین اسلام به دلیل غنای کتاب آسمانی خود، قرآن، بی‌نیاز از هرگونه مکتب فلسفی و عقلی، به‌روشنی به اهمیت اخلاق و ضرورت تربیت و مصداق‌های تربیت صحیح می‌پردازد. «پیامبر اکرم» (ص)، الگوی حسنه‌ای است (احزاب: ۲۱) که واجد تمامی مکارم اخلاقی است و هدف بعثت ایشان از ابتدا کامل کردن مکارم اخلاقی (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۶۷: ۳۷۲) و یک انسان تربیت یافته در دامان حق و مربی واقعی و مکتب یکتاپرستی است. فردی که سواد خواندن و نوشتن نداشت (جمعه: ۶۲) و در دنیای سراسر توحش و جاهلیت عرب دیده به جهان گشود (آل عمران: ۱۰۳) و به رشد و بالندگی رسید و توانست تربیت دینی را به بهترین نحو در بین آحاد مردم که بویی از ادب و تربیت نبرده بودند به منصفه ظهور رساند. (آل عمران: ۱۱۰)

هدف از تربیت دینی

هدف از تربیت در جوامع مختلف، گوناگون است؛ زیرا نوع نگرش جوامع به امر تربیت، به فرهنگ آن جوامع و نظام ارزشی آن‌ها بستگی دارد و این وابستگی به حدی است که کمتر می‌توان به تعریف و برداشت واحدی از تربیت در تمامی جوامع رسید و تلقی فرهنگ‌های جوامع از ارزش و ضد ارزش بسیار متفاوت است و حتی در یک نظام فرهنگی نیز گاه مفهوم تربیت متغیر می‌شود. ملاک ارزش در فرهنگ اسلامی، عقل و وحی است. تربیت دینی و تربیت عقلانی بر هم منطبق است. اما به هر حال باید در نظر داشت که هدف تربیت فقط ساختن عضوی از یک گروه و پرورش کارگری در جامعه مورچگان نیست، بلکه پرداختن به موجودیست که از زمان حال و حتی از خود تجاوز کند و اهداف متعالی‌تری را داشته باشد. (شاتو، ۲۵۳۵ شاهنشاهی: ۶)

هدف زندگی از نظر قرآن، عبودیت و در نهایت قرب الی‌الله است (ذاریات: ۵۶) این امر منطبق بر تربیت دینی است و با توجه به معنای رب در قرآن می‌توان گفت، هدف از تربیت، شناخت خدا و تن دادن به حاکمیت مطلق اوست. ایجاد انسان‌های متدین، با تقوا، دین‌باور،

۱۲۲ ❖ نامه پژوهش فرهنگی

مسئولیت‌پذیر و مردم‌گرا راه رسیدن به قرب الی‌الله و از اهداف ثانوی است. از آنجا که شناخت امام معصوم، به خصوص امام «مهدی» (ع) نیز از مهم‌ترین هدفی است که در تربیت دینی باید به آن اهمیت داد و نبود آن مصداق بی‌دینی و جهالت است و مرگ در آن شرایط معادل مرگ جاهلی برشمرده شده است (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۳۱۶) در واقع مقدمه‌ای است برای رسیدن به هدف نهایی که شناخت خدا و قرب اوست، جا دارد که به این امر پرداخته شود.

مفهوم معرفت

معرفت در لغت به معنای شناخت، آشنایی و شناخت تفصیلی معلوم مجمل آمده است. (دهخدا، ۱۳۷۷)

معرفت از سنخ علم است، اما علمی که مسبوق به فکر باشد و به یقین بیانجامد. در چنین علمی جای هیچگونه شک و تردیدی نیست و با علمی که به اجمال یا از روی تقلید صورت گیرد فرق دارد. (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۳۴۷ - ۳۴۰)

ذکر این نکته لازم است که معرفت و علم از امور بدیهی و غیرقابل تعریف هستند و آنچه در تعریف آن ذکر می‌شود تنها حالت تنبیهی و تقریب به ذهن خواهد داشت. زیرا همه مجهولات به واسطه علم معلوم می‌شوند و خود علم بی‌واسطه معلوم ذهن انسان است. (صدر المتألهین، ۱۴۱۹، ج ۳: ۲۷۸)

معرفت در اصطلاح فلسفه و قرآن

فلسفه ارتباط تنگاتنگی با معرفت و مسائل معرفت‌شناسی دارد. فلاسفه دائم در تلاش بودند تا علاوه بر تبیین معنای معرفت به تبیین مکانیسم ایجاد آن در نفس بپردازند. فلاسفه اسلامی معرفت را عبارت از هرگونه ادراکی، اعم از حسی، خیالی، وهمی و عقلی می‌دانند. در واقع معرفت از حس شروع می‌شود و در مراتب بالاتر، با قوی‌تر شدن قوای نفسانی، به

مروری بر راهبردهای تربیتی معرفت امام زمان ... ❖ ۱۲۳

تخیل، توهم و سرانجام تعقل می‌انجامد. تعقل آخرین و قوی‌ترین مرتبه تعقل است که در آن، نفس با موجود مجرد خارج از خود ارتباط پیدا کرده و فنای در او می‌شود و به دیدن و تجربه موجودات جهان هستی در عالم مجردات منجر می‌شود. این مرتبه از ادراک برای همه انسان‌ها حاصل نمی‌شود و غالب انسان‌ها در همان مراتب خیال و وهم باقی می‌مانند. (صدر المتألهین، ۱۴۱۹ ق، ج ۶: ۱۵۵ - ۱۵۳؛ ج ۳: ۳۶۵؛ ج ۹: ۹۹ - ۹۶)

در قرآن واژه علم به معنای معرفت به کار رفته است، یعنی علم توأم با تفکر و علمی که به یقین بیانجامد. خداوند به این نوع علم بسیار بها می‌دهد و انسان را به آن فرا می‌خواند. (محمد: ۱۹؛ انفال: ۲۴؛ حدید: ۱۷؛ جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۲۱۴ - ۱۹۳؛ ۱۳۸۷: ۳۴۶)

ضرورت معرفت در دین

در قرآن و روایات، انسان، دائماً به تفکر، تعقل و معرفت دعوت شده است. چرا که انسان زمانی می‌تواند در مسیر مستقیم قرار گیرد و واجد مکارم اخلاق شود که بتواند نسبت به کاری که می‌کند یقین داشته باشد و یقین هم جز با معرفت حاصل نمی‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۳۴۹ - ۳۴۰)

ایمان از یقین و یقین از معرفت حاصل می‌شود. بنابراین بدون معرفت، ایمان حاصل نخواهد شد. هر چقدر معرفت کامل‌تر و متعالی‌تر باشد، ایمان نیز قوی‌تر می‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۲۷۷) بنابراین ضرورت معرفت در دینداری بر کسی پوشیده نیست.

لزوم معرفت امام در تربیت دینی

شناخت امامان در مقام جانشینی پیامبر(ص) و ایمان به آن‌ها، از اصول اعتقادی شیعیان است. در روایات، ایمان به امامان از مهم‌ترین ارکان اسلام به‌شمار می‌رود: «اسلام بر پنج رکن استوار است: نماز، زکات، روزه، حج و ولایت و بر هیچ یک از این ارکان به اندازه ولایت تأکید نشده است.» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۱۸)

❖ ۱۲۴ نامه پژوهش فرهنگی

«پیامبر اکرم» (ص) می‌فرمایند: «بر دوستی معرفت ما اهل بیت ثابت باشید، قسم به کسی که جان «محمد» در اختیار او است، سودمندی عمل هر بنده‌ای در گرو معرفت ماست.» (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۷: ۱۹۳)

و نیز می‌فرمایند: «کسی که بمیرد در حالی که امام زمان خود را نشناخته باشد، به مرگ جاهلیت مرده است.» (عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۶: ۲۴۶، باب ۳۳، حدیث ۲۱۴۷۵؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۳۷۲)، این حدیث به شکل‌های مختلف و از منابع مختلف روایت شده است و مورد اجماع شیعه و سنی است. (حسینی طهرانی، ۱۴۲۲ ق، ج ۳: ۱۳)

هر عاملی که باعث جهالت شود و هر عملی که از جهالت سرزند؛ نتیجه نشناختن ولی زنده است. امام زنده و معرفت او و پشتیبانی از وی سبب رهایی از جهالت و آثار شوم آن است (حسینی طهرانی، ۱۴۲۲ ق، ج ۳: ۳۳)

مراد از معرفت امام نیز معرفت به امام زنده مشخصی است که از سوی امام ماقبل خود به این منصب منصوب شده است، نه اعتقاد کلی به وجود امامی در هر زمانی و یا اعتقاد به امامی که مردم آن را تعیین کرده‌اند (حسینی طهرانی، ۱۴۲۲ ق، ج ۳: ۳۹ - ۳۵)

و چون براساس اجماع شیعیان، امام دوازدهم، حضرت «مهدی» (ع)، در قید حیات است ولی در غیبت به سر می‌برد و ظهور او منوط به وجود امتی است که شایستگی پذیرش وی را داشته باشد، شناخت وی در حال حاضر از وظایف مؤمنان است تا هم به واسطه شناخت وی به شناخت خدا و ایمان به او برسند و هم بتوانند از طریق معرفت به وجود مبارکش، خود را در صف منتظران واقعی قرار دهند و زمینه حضور وی را آماده کرده و پرده‌های غیب را یکسره بدرند.

باید اذعان داشت که مهدویت و انتظار، نه از حیث عقیدتی، نه از حیث اندیشه و تفکر و نه از حیث سلوک و رفتار، عمق چندانی در بین توده مردم، خصوصاً جوانان ندارد. علت این مشکل، نداشتن معرفت و برخورد سنتی مردم با موضوع مهدویت و انتظار است، نمونه بارز آن در عملکرد احساسی، گذرا و ناپایدار مردم در جشن‌های نیمه شعبان نمود پیدا

مروری بر راهبردهای تربیتی معرفت امام زمان ... ❖ ۱۲۵

می‌کند. اگر معرفت نباشد، محبت هم حاصل نخواهد شد. ثمره معرفت به امام، محبت و در نتیجه اطاعت و تأسی در تقوا، عبادت، سخت‌کوشی، جهاد، زهد، عدالت، سخاوت، موضع‌گیری در برابر بدعت‌ها، نصیحت، خیرخواهی، صبر، بردباری و ... است. باید تلاش کرد تا مردم بیشتر از این با عوام‌زدگی خو نگیرند. چرا که عادت کردن به وضع موجود، آفت بزرگی است که می‌تواند در مقابل رشد و بالندگی یک جامعه قد علم کند. بنابراین باید تربیت را به نحوی سوق داد که بتوان به معرفتی که نهایتش حب اهل بیت (ع)، بالانحص «امام زمان» (ع) می‌باشد، رسید.

معرفت «امام زمان» (ع) ابعاد مختلف تربیتی را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد که مهم‌ترین آن‌ها تربیت در حوزه خانواده است که می‌تواند تربیت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... را متأثر از خود سازد و ما در این مقاله سعی داریم تا در حد توان به این مقوله بپردازیم.

عوامل مؤثر بر تربیت دینی فردی در حوزه خانواده

ظهور حضرت «مهدی» (ع) نیازمند تحقق شرایط متعددی است که می‌توان گفت از همه مهم‌تر منوط به تربیت و ظهور یک نسل منتظر است. نسل منتظر، نسلی است که از هر جهت پذیرای وجود مبارک «امام زمان» (عج) است، با جان و دل او را شناخته و به او ایمان دارد و هر لحظه ظهورش را انتظار می‌کشد تا بتواند در کنارش آرام گیرد.

برای تربیت چنین نسلی، به خصوص در عصر حاضر که تربیت دینی با موانع و آسیب‌های فراوان روبروست، لازم است طراحی‌های راهبردی صورت گیرد، به نحوی که نسل‌ها خود به خود و خودجوش به سمت پذیرش ولایت «مهدی موعود» (ع)، پیش روند و برای یاریش، هم آمادگی جسمی داشته باشند و هم آمادگی روحی.

فرد از وقتی که چشم به جهان می‌گشاید، وارد جامعه می‌شود. اولین جامعه‌ای که فرد در آن قدم می‌گذارد، جامعه کوچکی است که خانواده نام دارد، گروهی خاص از خویشاوندان که در برآوردن نیازهای اصلی اعضا، مسئولیت اصلی را بر عهده دارند. این گروه ترکیبی از

۱۲۶ ❖ نامه پژوهش فرهنگی

افرادند که از طریق خون، ازدواج و یا فرزندخواندگی به هم مربوط می‌شوند. (بروس کوئن، ۱۳۷۲: ۱۵۱)

خانواده، هسته مرکزی جامعه است و شکل‌گیری جامعه از خانواده شروع می‌شود. تزلزل جامعه از تزلزل خانواده‌ها شروع می‌شود. هرگاه در جامعه‌ای خانواده از سلامت بهره‌مند باشد، جامعه نیز سالم و استوار خواهد بود، در غیر این صورت جامعه ثباتش را از دست می‌دهد و از هم فرو می‌پاشد.

خداوند برای نجات و رهایی خانواده از گمراهی و توجه به تعلیم و تربیت به سرپرست خانواده چنین می‌فرماید: «قوا انفسکم و اهلیکم نارا» (تحریم: ۶) و یا «وَأمر اهلک وبالصلوة و اصطر علیها» (طه: ۱۳۲) و یا در جایی که به «پیامبر اکرم» (ص)، خطاب می‌کند که «وانذر عشیرتک الاقرین» (شورا: ۲۱۴)

بنابراین نقش خانواده از دیدگاه قرآن تنها در برآوردن نیازهای اقتصادی خلاصه نمی‌شود، بلکه وظیفه اصلی آن تربیت صحیح نسل است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۵۰)

نقش خانواده را می‌توان در ابعاد زیر در نظر گرفت:

۱. نقش سازندگی: خانواده می‌تواند عوامل ناشی از وراثت را تحت‌الشعاع قرار دهد. خانواده، شخصیت کودک و خط مشی او را در حال و آینده مشخص می‌کند و به او جهان‌بینی می‌دهد.
۲. نقش فرهنگی: همه مسائل فرهنگی و تربیتی در خانواده به‌طور عملی به کودک آموزش داده می‌شود. مفاهیمی چون عشق ورزیدن، محبت، همکاری، همدردی، شرافت، عزت نفس، صداقت و ...، در کانون خانواده، در قلب کودک نهادینه می‌شود.

۳. نقش اجتماعی: خانواده مسئول صلاح یا فساد جامعه‌ای است که از خانواده‌ها و

افراد می‌گذرد که در خانواده‌ها پرورش داده شده‌اند، است. (قائمی، ۱۳۶۸: ۴۳ - ۴۰)

برای داشتن نسلی منتظر و واجد مکارم اخلاق، توجه به خانواده و تربیت دینی والدین

مروری بر راهبردهای تربیتی معرفت امام زمان ... ❖ ۱۲۷

❖ سال یازدهم، شماره دهم، تابستان ۱۳۸۹

بسیار مهم است. والدین اگر خودشان واجد مکارم اخلاق نباشند و یا سعی خود را در داشتن این صفات مبذول نکنند، هیچ‌گاه نمی‌توانند صفات حسنه را به فرزندانشان انتقال دهند. اعتقاد به امام معصوم و زنده که ولی مطلق تمامی انسان‌هاست و به دلیل فراهم نبودن بستر مناسب و به فرمان خداوند متعال در غیبت به سر می‌برد، زمانی با گوشت و خون کودک عجین می‌شود و ظهورش در هر لحظه دغدغه او می‌شود که والدین خود به این باور رسیده باشند و آن را به فرزندان خود منتقل کنند. در پرده خفا بودن چیزی نیست که مرضی «امام زمان» (عج) باشد و خود ایشان از باب تسلیم شدن به فرمان الهی، راضی به رضای او گشته‌اند و هر آن انتظار ظهور را می‌کشند. از این رو عشق و حب امام معصوم (ع)، باید ما را به آن سمت بکشاند که هر چه زودتر موانع ظهور را که همگی از جانب ماست، برداریم و بیش از این موجبات اندوه امام (ع) و خسران خودمان را فراهم نکنیم. اولین کاری که باید انجام دهیم توجه به تربیت دینی خود، فرزندانمان و تهیه محیطی امن برای رشد و بالندگی کودکانمان است.

از این رو یکی از مهم‌ترین برنامه‌های مدیران سیاسی و اجتماعی جامعه فراهم نمودن برنامه‌های اصولی و راهبردی و آگاه کردن آحاد مردم از این برنامه‌هاست تا بتوان با ارائه و اجرای این برنامه‌ها، هر چه سریع‌تر به هدف والای جامعه اسلامی که به بهای گرانی به‌دست آمده و حفظ شده است، رسید. امید است که بتوان به نحوی عمل نمود که انقلاب اسلامی ما به انقلاب اسلامی جهانی حضرت «مهدی» (ع) متصل شود.

خانواده، هم بر رشد جسمی کودک نقش مستقیم دارد و هم بر رشد صحیح روحی و روانی او. این حقیقت که از پدر و مادر مجنون، ضعیف‌العقل و شرابخوار فرزندان ناسالم و ناصالح به‌وجود می‌آید امری است غیر قابل انکار. (فلسفی، بی‌تا: ۸۲)

بنابراین تربیت نسل سالم، صالح و مؤمن که از پذیرش حق ابا نداشته باشند و ذاتشان با ایمان به حق و حقیقت عجین شده باشد و لجاجت و عنادی با دین اسلام و مبادی بنیادین و احکام آن نداشته باشند از اولین و مهم‌ترین وظایف پدر و مادر است. پدر و مادر اساس

❖ ۱۲۸ نامه پژوهش فرهنگی

یک خانواده هستند و هرگونه عیب روحی، اخلاقی و ایمانی در آنها می‌تواند مانع از تحقق اهداف عالیّه تربیتی شود. اگر کودک در خانواده با مشکل جدی روبرو نباشد و خوب تربیت شود، اجتماع، تأثیر کمتری بر انحراف او دارد. آغوش باز والدین در هر مرحله از زندگی کودک، عکس‌العمل‌های عالمانه و سنجیده آنها در برخورد با تجربیات مختلف کودک در دوره‌های مختلف، همیشه خانواده را محیطی امن، دلنشین و صمیمی برای کودک ترسیم می‌کند، به طوری که مأوا و پناهگاه کودک در تمام ناملایمات زندگی می‌شود.

یکی از علل مهم سلب توفیق خانواده‌ها در تربیت و پرورش نسل دین‌دار، بی‌توجهی آنها نسبت به آموزه‌های دینی و آدابی است که در شرع مقدس برای پرورش یک نسل دین‌دار آمده است. برخلاف این که از مکتبی غنی برخوردار هستیم که برای تمام مراحل زندگی ما دستورالعمل‌های ریز و جزئی دارد، متأسفانه اکثر مردم یا از آنها آگاهی ندارند و یا اگر آگاهی داشته باشند، برای عمل به آنها کوشش نمی‌کنند؛ از این رو به هر صورت که بخواهند، همسر برمی‌گزینند و بدون رعایت نکات لازم که در شرع به آنها سفارش شده است، دارای فرزند می‌شوند و با تأمین تمام امکانات رفاهی، بی‌توجه به نیازهای روحی و عاطفی کودک، او را به حال خود می‌گذارند تا با هرچه که می‌خواهد خود را سرگرم کند و مدعی هستند که در حق فرزندشان هیچ کوتاهی نکرده‌اند.

وضعیت کنونی خانواده‌های جامعه اسلامی ما گویای این مطلب است که اگرچه اکثر قریب به اتفاق خانواده‌ها در آرزوی تربیت فرزندی سالم و صالح هستند، اما کمتر کوششی در این زمینه صورت می‌گیرد. انتخاب ناآگاهانه و عجولانه همسر، فرزنددار شدن بدون برنامه صحیح، کوتاهی کردن در تربیت کودک، پرکردن برنامه کودک با ابزارهای نامناسبی چون انواع نرم‌افزارها، بازی‌های کامپیوتری و اسباب بازی‌های غیراستاندارد و ناسالم، سپردن آنها به مهدکودک‌هایی که با کادری بی‌تجربه و تحصیلات ناکافی، مملو از انواع آموزش‌های غیرصحیح با عناوین گمراه کننده هستند و نتیجه آنها چیزی جز تخریب روح کودکان نیست، خستگی والدین و بی‌حوصلگی آنها در ابراز محبت به کودک و ناآگاهی آنها در

مروری بر راهبردهای تربیتی معرفت امام زمان ... ❖ ۱۲۹

برخوردهای صحیح با کودک از جمله آسیب‌هایی است که خانواده‌ها و تربیت دینی صحیح کودکان با آن مواجه هستند.

با شناسایی وضع موجود و آگاهی از تمام هنجارها و ناهنجاری‌ها، بهتر می‌توان برنامه‌های راهبردی را طراحی و اجرا کرد. از این‌رو نهادهای برنامه‌ریز در زمینه تربیت، بدون مطالعه وضع موجودی که خانواده‌ها و فرزندان با آن روبرو هستند، نمی‌توانند طرحی را ارائه دهند و آن را اجرا کنند و اگر برنامه ارائه دهند، جز شکست و دامن زدن به مشکلات خانواده‌ها، چیزی به همراه نخواهند داشت.

ابواب مختلف جلد صدم بحارالانوار و نیز جلد چهاردهم مجموعه ارزشمند وسائل‌الشیعه برای مطالبی که از این پس خواهیم گفت روایات متعدد، مهم و قابل توجهی دارند که دسته بندی مجدد و هرچه بیشتر کاربردی کردن آن‌ها مجال دیگری می‌طلبد. با توجه به مشکلاتی که در بالا ذکر شد، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد تا بتوان با توجه به آن‌ها نسل‌ها را به سمت اصلاح، دینداری و ولایت‌مداری و در نتیجه نسل منتظر هدایت کرد.

راهبردهای تربیتی معرفت امام زمان (ع) در بعد خانواده

برای داشتن افرادی با تربیت مهدوی و به عبارت دیگر برای تربیت نسل منتظر باید راهکارهای متعددی را در پیش گرفت که جز با شناخت وضع موجود و چالش‌ها و آسیب‌های پیش‌رو نمی‌توان به این راهکارها دست یافت. بنابراین ما نیازمند تدوین و تهیه استراتژی خاص در زمینه تربیت نسل عارف به امام هستیم که با توجه به مواردی که در بالا به طور خلاصه به آن‌ها اشاره شد می‌توان راهکارهای زیر را اتخاذ کنیم تا دچار آسیب‌های پیش‌روی تربیت مهدوی نشویم.

انتخاب و پذیرش همسر شایسته: خانواده کانون مقدسی است که در سایه پیوند زناشویی پایه‌گذاری می‌شود. تشکیل خانواده فقط برای ارضای غرایز جنسی نیست تا به هر گونه‌ای صورت گیرد، بلکه بقا و تربیت نسل مهم است و خانواده فقط براساس دو رکن مودت و رحمت شکل می‌گیرد و استوار می‌ماند (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۶۸)، نه براساس میزان مهریه،

۱۳۰ ❖ نامه پژوهش فرهنگی

ثروت، زیبایی و یا عوامل ظاهری و زودگذر دیگر.

آنچه کانون خانواده را گرم می‌کند و روابط دو همسر را صفا و صمیمیت می‌بخشد و سعادت آن‌ها را تأمین می‌کند، پیوند قلبی و امتیازهای مشترک روحی و اخلاقی است. هم‌کفو بودن^۱ ملاک بسیار مهمی است که در دین اسلام به آن تأکید شده است. متعادل بودن رفتار زن و مرد، دین دار بودن، ایمان داشتن، برخورداری از اصالت خانوادگی براساس ایمان و تقوا، عفت و حیا و ... از مواردی است که باید رعایت شود و زن و مرد باید بدانند که متمم و مکمل همدیگرند و باید در همسان‌سازی و هم‌شان‌سازی هم در سیر تعالی و رشد به سوی صراط مستقیم بکوشند.

با توجه به تأثیر پدر در تربیت فرزند، مادرانی که طالب تربیت یک نسل مهدی‌باور و مهدی‌باور هستند، باید هنگام انتخاب همسر، به این مسئولیت تربیتی توجه داشته باشند و فردی را برگزینند که تربیت دینی، عشق و محبت به «امام زمان» (ع) در او نهادینه شده باشد؛ زیرا پدری که خود برخوردار از عشق و محبت به امام زمانش نباشد، نمی‌تواند در ایفای رسالت تربیت نسل مهدی‌باور توفیقی داشته باشد. از سوی دیگر، تقید پدر در رعایت حلال و حرام الهی، به ویژه تقید به تهیه روزی حلال برای خانواده، در دین‌دار کردن فرزندان و تربیت نسل ولایی، فوق‌العاده مؤثر است. (معین الاسلام، ۱۳۸۶: ۶۰ - ۳۷؛ قائمی، ۱۳۳۸: ۴۷)

پدر اگرچه از لحاظ وراثتی فقط در انعقاد نطفه مؤثر است، اما به لحاظ تربیتی و الگوپذیری کودک تا پایان عمر در فرزند خود تأثیرگذار است.

مرد نیز برای انتخاب همسر باید نکات اخلاقی و دینداری را در کنار زیبایی، مهم بداند و فقط چهره ظاهر را عامل خوشبختی نداند. او باید بداند، همسری که بر می‌گزیند مادر فرزندان است و باید خوب باشد تا بتواند خوب تربیت کند. مادر بیشترین تأثیر را بر تربیت فرزند دارد. تمام حالات روحی و روانی مادر در طول ۹ ماه بارداری و قبل و بعد از آن بر

۱. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: الكفو أن يكون عفيفا و عنده يسار(هم‌شان کسی است که پاکدامن بوده و بر تأمین زندگی توانا باشد) (وسائل الشیعه، ۷۸/۲۰ ب ۲۸ ح ۴ و ۵)

مروری بر راهبردهای تربیتی معرفت امام زمان ... ❖ ۱۳۱

❖ سال یازدهم، شماره دهم، تابستان ۱۳۸۹

کودک تأثیر مستقیم می‌گذارد. بعد از تولد، به‌خاطر قانون طبیعت، کودک مؤانست بیشتری با مادر دارد و تمام حرکات او در ذهن کودک نقش می‌بندد. (قائمی، ۱۳۶۸: ۱۰۸ - ۵۴؛ شعاری‌نژاد، ۱۳۶۴: ۷۲)

بنابراین دختران و پسران باید ازدواج را صرفاً وسیله‌ای برای ارضای غرایز ندانند، بلکه آن را امری مقدس بدانند که طی آن می‌توانند به تداوم نسل بپردازند و موظفند در نگهداری و تربیت صحیح فرزندان نهایت تلاش خود را مبذول دارند. «رسول اکرم» (ص) می‌فرمایند: «در انتخاب همسر دقت کنید، زیرا ویژگی‌های پدران و مادران به ارث می‌رسد.» (عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۴: ۲۹)

اگر پدر فقط در انعقاد نطفه نقش وراثتی دارد، مادر، هم در انعقاد نطفه و هم در ۹ ماه بارداری و هم در دو سال شیردهی، رابطه وراثتی و خونی با فرزندش دارد و همه رفتارهای جسمی و روانی وی تأثیر مستقیم بر فرزند دارد. در احادیث بسیار آمده است که مردان را به انتخاب زنی نیکوسرشت، با ایمان و پاکدامن دعوت می‌کنند، صفاتی که بهتر از زیبایی ظاهری، مرد را واله و حیران خود می‌سازد. (عاملی، ۱۴۰۹ ق: ۳۵ - ۲۰ از ابواب مقدمات نکاح ح ۷؛ ۴۸ ب ۱۳ ح ۴؛ ۳۳/۲۰ ب ۶ ح ۱۶؛ ۳۸/۲۰ ب ۹ ح ۲؛ ۳۹/۲۰ ح ۶؛ ۵۶/۲۰ ب ۱۸ ح ۱؛ مجلسی، ۱۴۰۴ ق: ۲۳۵ - ۱۰۳)

حقوق همسر: زن و مرد نه تنها باید در انتخاب همسر تلاش کنند، بلکه باید تمام سعی خود را در رعایت حقوق همدیگر بکنند تا کانون خانواده از گرمی و ثبات بهره‌مند شود، حقوقی که همسران باید تا پایان عمرشان، خود را ملزم به رعایت کنند. پس باید همسران در کانون خانواده وظایف خود را بشناسند و در انجام صحیح آن اهتمام ورزند. نه از هم انتظارات بیش از حد و اندازه داشته باشند، به طوری که باعث خستگی و یأس شوند و نه آنکه هیچ انتظاری از هم نداشته باشند و هیچ تکاپو و امیدی در خانه وجود نداشته باشد. پس باید حقوق و وظایف و حد آن‌ها به خوبی روشن شود و هر یک از زن و مرد قبل از ازدواج با آن آشنا شوند.

❖ ۱۳۲ نامه پژوهش فرهنگی

پایه گذاری زندگی براساس محبت، احترام، اخلاق خوش، قدردانی، کاستن توقعات، تقسیم کار، پرهیز از عیب جویی و بدگمانی، رازداری، سازگاری، همیاری، میانه روی، تدبیر و ... از حقوقی است که زن و مرد بر هم دارند که به دلیل جلوگیری از اطاله کلام از پرداختن به آن‌ها پرهیز می‌کنیم. (اسماعیلی یزدی، ۱۳۸۵: ۲۸۱ - ۲۴۴)

از جمله حقوقی که زن و مرد در کانون خانواده نسبت به هم دارند این است که همدیگر را به اصلاح و اطاعت خدا و درست زندگی کردن فرمان داده و ارشاد کنند و در این زمینه از هیچ تلاشی دریغ ننمایند و سعی کنند با انجام صحیح و به موقع وظایف، آرامش لازم را برای پذیرش اوامر الهی فراهم کنند و همدیگر را در پذیرش و ثبات در امر ولایت‌پذیری تشویق کنند تا بتوانند فرزندان ولایت مدار تربیت کنند.

انعقاد نطفه: یکی از مراحلی که می‌تواند در تکوین شخصیت دینی و ولایی فرزندان مؤثر باشد، مرحله انعقاد نطفه است؛ از این رو در شرع، دستورهای زیادی برای این مرحله صادر شده است که توجه به آن‌ها می‌تواند گامی مؤثر برای تربیت نسل ولایی باشد. (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱۰۰)

زندگی یک موجود جاندار از لحظه لقاح آغاز می‌شود. از همین لحظه است که مرد و زن، عنوان پدر و مادر یافته و ایفای نقش حساس و جدیدی را بر عهده می‌گیرند. دوره ۹ ماهه پس از آن در حیات آدمی، بسیار مهم و تعیین کننده است. هر گونه کوتاهی والدین، به ویژه مادر، عواقبی غیرقابل جبران دارد.

پدر و مادر باید از همان ابتدای تشکیل زندگی مشترک و مراسم عروسی به فکر باشند که اگر لحظه‌ای اشتباه کنند، این اشتباه و گناه دامن نطفه‌ای را خواهد گرفت که آن‌ها درصدد تشکیل آن هستند.

حالت هیجانی و عاطفی در لحظه انعقاد نطفه، رؤیاها و خیال‌پردازی‌های مادر، وجود گناه در محل انعقاد نطفه، پراکندگی و آشفتگی فکری زن و مرد، در جنین تأثیر مستقیم دارد. انتخاب زمان و شرایط روحی و روانی مناسب و توجه به خدا هنگام انعقاد نطفه می‌تواند

مروری بر راهبردهای تربیتی معرفت امام زمان ... ❖ ۱۳۳

❖ سال یازدهم، شماره دهم، تابستان ۱۳۸۹

در تشکیل نطفه‌ای سالم کمک کند. (مظاهری، ۱۳۸۷: ۶۳؛ معین الاسلام، ۱۳۸۶: ۶۰ - ۳۷)

دوران بارداری: یکی دیگر از مقاطع و مراحل تأثیرگذار در تربیت نسل مهدی‌باور، دوران بارداری مادر است. تحقیقات به‌خوبی نشان می‌دهند که دامنه تأثیرگذاری مادر بر جنین بسیار فراتر از ابعاد مادی است و از گفتار و رفتار گرفته تا نیت، انگیزه، صفات و اخلاقیات او، طفل را متأثر از آثار نیک و بد خود می‌نماید. بنابراین دین‌داری و توجه مادر به رعایت نکات لازم در مسائل ریز و درشت اعتقادی، به‌خصوص ولایت‌پذیری، مستقیماً بر افکار کودک و شکل‌گیری آن تأثیرگذار است. احادیث زیادی وجود دارد که بر این امر صحه می‌گذارند و اکثر بانوان متدین ما سعی می‌کنند به دستوره‌های وارده از طریق احادیث، به‌خوبی عمل کنند.

در تحقیقات روانشناسان غربی این نتیجه به دست آمده که کودکان موسیقی‌هایی را که در دوران جنینی شنیده بودند در دورانهای کودکی و نوجوانی آن را به یاد آورده و با شنیدن مجدد، آن را یک موسیقی آشنا می‌دانستند، بی‌آنکه به یاد آورند آن را کی یا کجا شنیده‌اند. هر صفت رذیله‌ای که مادر داشته باشد، مثل غیبت، دروغ، تهمت، حسادت، سخن‌چینی و ... همگی در روح و روان جنین تأثیر مستقیم دارد. (مظاهری، ۱۳۸۷: ۷۴)

از این‌رو مادری که خود علقه عاطفی و فکری با مولای خود «امام زمان» (ع) داشته و این علقه، نمود عملی در زندگی او دارد، قطعاً این عاطفه را به فرزند هم منتقل خواهد کرد. (معین الاسلام؛ ۱۳۸۶: ۶۰ - ۳۷)

خواندن دعاها و زیارت‌هایی چون زیارت جامعه کبیره، زیارت عاشورا، دعای عهد و دعای فرج در این دوران به مأنوس شدن طفل با یاد ائمه اطهار(ع)، به‌خصوص حضرت «ولیعصر» (عج)، کمک می‌کند.

ارتزاق مادر از لقمه حلال نیز از نکات مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد، به‌خصوص از سوی پدر. لقمه حلال در تمامی مراحل زندگی کودک در صلاحیت وی، مستقیماً تأثیرگذار است و باید همیشه مد نظر پدر باشد. (عبس: ۲۴)

نقش پدر در دوران بارداری مادر بسیار مهم است. فراهم نمودن محیطی آرام، بدون

❖ ۱۳۴ نامه پژوهش فرهنگی

نگرانی، سرشار از عاطفه و محبت و نیز فراهم کردن رزق کافی، لازم و حلال از وظایف مرد است که قصور از آن عواقب بدی خواهد داشت که نه تنها دامن گیر آن خانواده خواهد شد، بلکه جامعه نیز از اثرات سوء آن بی بهره نخواهد ماند.

تولد نوزاد: لحظه تولد نوزاد شیرین‌ترین تجربه‌ای است که برای مادر حاصل می‌شود. تجربه‌ای که توأم با سخت‌ترین دردهایی است که مادر می‌توانست تجربه کند. این لحظه بهترین لحظه در عمر مادر در نزدیکی به خدا و توسل به نایبان بر حقش است که ممکن است به دلیل اضطراب و ناراحتی فراموش شود و یا حتی به ناشکری و گفتن الفاظ ناروا منجر شود. صبر مادر، توکل او بر خدایی که شیرین‌ترین لحظه را در پس سخت‌ترین لحظات قرار داد و استمداد از او و توسل به اولیای الهی به‌خصوص امام حی و حاضر، حضرت «مهدی» (ع)، نه تنها از اضطراب مادر می‌کاهد و تحمل درد را برای او آسان می‌کند، بلکه باعث ایجاد روحیه‌ای می‌شود که تأثیر مستقیم آن بر نوزاد غیرقابل انکار است. نوزادی که با یاد و نام حضرت «مهدی» (ع)، پا به عرصه هستی بگذارد و در گوش او اذان خوانده شود، همیشه با این یاد مأنوس خواهد بود.

مرحله بعد، انتخاب نام مناسب است که بهتر است قبل از تولد و زمانی که طفل در رحم مادر است، انجام شود. نامی پر معنی که همیشه طفل از داشتن آن نام به خود بی‌الد و سعی کند شخصیت خود را با آن نام مطابق نماید. بهترین نام، نامی است که علاوه بر معنای زیبا و محتوای عالی، موزون باشد و خود کودک توان تلفظ آن را داشته باشد. نام‌های مبارک «محمد»، «علی»، «مهدی» و ... که برگرفته از اسامی و القاب ائمه اطهار (ع) است، بهترین نام‌هایی است که می‌توان انتخاب کرد و کودک را در تمام لحظات با این بزرگواران مأنوس کرد. کودکی که نامش «مهدی» و سایر القاب حضرت «مهدی» (ع) باشد، مدام از والدین، معنا و مفهوم نامش را سؤال می‌کند و وقتی بفهمد نامش از آن «مهدی موعود» (ع) است، سعی می‌کند خود را به شخصیت مبارک ایشان نزدیک کند.

تحنیک (آشنا کردن کام کودک، برای اولین بار، با چیزهای نیکویی چون تربت «امام

مروری بر راهبردهای تربیتی معرفت امام زمان ... ❖ ۱۳۵

حسین» (ع)، تراشیدن سر، تصدق برای کودک، ختنه پسران، دادن ولیمه و سفارش‌های مختلف دیگر که در کتب اسلامی، با توجه به روایات وارده، توصیه شده است از کارهایی است که مستحب است والدین انجام دهند. (قائمی، ۱۳۶۸: ۹۶)

دوران شیردهی: تأثیر شیر مادر در پرورش شخصیت معنوی فرزندان، امری مسلم و غیرقابل انکار است و در احادیث نیز اهمیت آن ذکر شده است.^۱ مادرانی که توفیق دارند از شیر خود که محصول لقمه حلال است فرزند خود را بهره‌مند سازند، همچنین مادرانی که با وضو، ذکر و یاد خدا و ائمه اطهار(ع)، به فرزند خود شیر می‌دهند، قطعاً در تربیت نسل مهدی‌باور و مهدی‌یاور توفیق بیشتری خواهند داشت. (معین الاسلام، ۱۳۸۶: ۶۰ - ۳۷)

فرزندگی که از شیر مادر بهره‌مند می‌شود و از شیره جان او می‌مکد، محبت، عطف و ایثار را وارد تک‌تک سلول‌های اعضای خویش می‌کند. این مهر و عطف اگر همراه با یاد امام غایب از نظر باشد، زیباتر و مؤثرتر خواهد بود. هرچه که خدایی باشد و به کودک القا شود، کودک در پذیرش آن مهیاترین است؛ چرا که امری مطابق با فطرت خدایی او است.

پدر نیز موظف است تا با فراهم کردن محیطی آرام و بدون دغدغه و تهیه مواد غذایی لازم و حلال، نیازهای جسمی و به‌خصوص روحی مادر را تأمین نماید تا مادر بتواند به‌خوبی از عهده وظیفه‌اش برآید. اگر مادر مجبور شد، بنا به دلایلی، از لقمه شبه‌ناک ارتزاق کند، با استغفار و گفتن بسم الله الرحمن الرحیم و توسل به خدا، آلودگی غذا را رفع کند. در این دوران نیز مادر موظف است نه تنها خود را از صفات رذیله دور سازد، بلکه وجود و نفسش را مزین به صفات حسنه نماید تا روح کودکی که از شیره جان او ارتزاق می‌کند در امان بماند. (مظاهری، ۱۳۸۷: ۷۱)

غم و غصه، نه تنها مادر را دچار سستی و رخوت و به اصطلاح دچار فلج روحی می‌کند، بلکه بر کودکی که در کنار او آرمیده است نیز تأثیر شدیداً مخربی می‌گذارد که حتی غیر قابل جبران است. برقراری ارتباط با خدا، دوری از شیطان و وسوسه‌هایش و توکل به خدا بهترین

۱۳۶ ❖ نامه پژوهش فرهنگی

و ساده‌ترین راهی است که والدین می‌توانند در برابر سختی‌ها و مصایب در پیش گیرند. (مظاهری، ۱۳۸۷: ۸۵)

دوران کودکی (۱ تا ۱۲ سالگی): در نظام تربیتی اسلام، این نکته مورد تأکید قرار گرفته که دوران کودکی، دوران شکل‌گیری شخصیت دینی، عاطفی، عقلی و... کودک است. دوران کودکی دوره فطرت و عمل است و کودک براساس فطرت خود و عملکرد اطرافیانش، به تقلید رفتارها و گفتارها می‌پردازد، از این رو کلیه رفتار پدر و مادر، به ویژه مادر که در این دوره، بیشترین ارتباط را با فرزند دارد، در شکل‌گیری شاکله شخصیتی فرزندی که تمام اعمال والدین خود را زیر نظر دارد و الگوگیری می‌کند، مؤثر است. (قائمی، ۱۳۶۸: ۳۱؛ معین الاسلام؛ ۱۳۸۶: ۶۰ - ۳۷) تأکید بر یگانگی گفتار و کردار، در همین سیر می‌باشد.

پس استنتاج، دلیل آوردن و ارائه مدرک، تأثیر چندانی بر عملکرد کودک ندارد. (فضل‌الله، ۱۳۷۹: ۱۳۲) احساسات کودک قبل از عقل وی رشد می‌کند و بهره‌برداری از سرمایه‌های عاطفی طفل بسیار زودتر از ذخایر عقلی او شروع می‌شود. (فلسفی، بی‌تا: ۲۲۶) از این رو باید سعی شود کودک را در خلال بازی و با ترفندهای کودکانه تربیت کرد و اعتقادات و احکام دینی را با شیرین‌ترین روشها به او القا کنیم و القای محبت به ولی خدا را با داستان و بازی در او ایجاد کنیم.^۱

فرایند تربیت در اسلام، فقط به کارگیری الفاظ، عبارتها و قاعده‌های دستور زبانی نیست؛ بلکه عرصه عمل نیز دارای اهمیت ویژه‌ای است. چه بسا فهم دقیق دستورهای اخلاقی، در ابتدا نیازمند عمل آدمی است. اگر انسان به بعضی دستورهای اخلاقی عمل نکند، نمی‌تواند معنای حقیقی آن را دریابد. به بیان دیگر، مادر باید خود به اصول و مبانی تعلیم و تربیت و همین‌طور تربیت یک نسل ولایی، علاوه بر شناخت، التزام داشته باشد.

مادر، باید فرصت طلایی شکل‌گیری شخصیت فرزند را غنیمت شمرده و پایه‌ها و بنیانهای

۱. در حدیث آمده که باید با کودک کودکانه رفتار کرد. (وسائل الشیعه، ج ۱: ۴۸۶) (من کان عنده صبی فلیتصاب له)

مروری بر راهبردهای تربیتی معرفت امام زمان ... ❖ ۱۳۷

❖ سال یازدهم، شماره دهم، تابستان ۱۳۸۹

اعتقادی فرزندش را با ارائه رفتارهای برگرفته از مبانی دینی و اخلاقی، تقویت نماید. او، اگر بنا دارد فرزندى مهدى‌باور تربیت کند، باید بدانند هرچه محبت، دل‌باختگی و ارتباط قلبی خود او با آن حضرت بیشتر باشد و این علقه، در رفتار وی که فرزند، شاهد آن است، نمود عینی داشته باشد، به همان میزان می‌تواند این محبت را بدون آموزش رسمی به فرزند خود انتقال دهد. وقتی فرزند، عشق سرشار مادر، به «امام زمان» (ع) را مشاهده می‌کند و فضای خانه را آکنده از عشق و محبت به ائمه اطهار (ع) می‌بیند، خود به خود به سمتی پیش می‌رود که چیزی جز عشق به ولایت به همراه نخواهد داشت.

نقش پدر در این دوره بسیار مهم است. کودک پدرش را سمبل قدرت و عامل تأمین امنیت و مرکز تصمیم‌گیری می‌داند و لذا خود را به او نزدیک می‌کند و نه تنها از او الگو‌گیری می‌کند، بلکه به او تکیه می‌کند. (قائمی، ۱۳۶۸: ۵۱)

دوران نوجوانی (۱۲ تا ۱۸ سالگی): دوره نوجوانی مهم‌ترین مرحله در مسیر شکل‌گیری هویت دینی به شمار می‌رود. فرد در این سال‌ها دربارهٔ خودش، جهانی که در آن زندگی می‌کند و روش زندگی می‌اندیشد و پرسش‌هایی در ذهن خود می‌پروراند و سعی می‌کند به استقلال برسد و کمتر تقلید کند. در پی تعارض شدید ذهنی که برای او حاصل شده است، به همه چیز شک دارد و از همه چیز سؤال می‌کند و می‌خواهد همه چیز را بداند. قوهٔ ادراکش قوی شده است و طوطی‌وار تقلید نمی‌کند. هویت طلب است و در پی تشخیص طلبی مستقل عمل می‌کند و نیاز به توجه دیگران دارد. به شدت علاقمند به دوست‌یابی است و به دنبال الگو می‌گردد. (فرهادیان، ۱۳۸۵: ۶۰)

از نظر عاطفی زودرنج و شکننده است و زود خشمگین می‌شود. بی‌حوصله، پرخاشگر و کم‌طاقت است. ثبات عاطفی ندارد و نیاز شدید به محبت دارد. وجدان اخلاقی در او رو به رشد است.

در نظام تربیتی، دوران نوجوانی، دوران انتقال است. در این دوره که با سن تکلیف همراه است، باید آموزه‌های دینی، به صورت آمیزه‌ای از احساس و عقل به فرزندان ارائه شود؛

❖ ۱۳۸ نامه پژوهش فرهنگی

زیرا در این دوره، فرزندان، نه دارای احساس و عواطف محض هستند و نه برخوردار از قدرت عقلانی کامل؛ از این رو متولیان تربیت باید هنرمندانه با آمیختن عقل و احساس و گره زدن اندیشه، عاطفه و محبت، در پی تعمیق محبت نوجوانان به «امام زمان» شان باشند.

(معین الاسلام، ۱۳۸۶: ۶۰ - ۳۷؛ فضل الله، ۱۳۷۹: ۱۳۴؛ اسماعیلی یزدی، ۱۳۸۵: ۳۲۷)

در نظام تربیتی اسلامی، نوجوان مشاور و وزیر است و می‌توان با مسئولیت‌دهی، هویت وی را تثبیت کرد و به او اعتماد به نفس داد.

این دوره از سخت‌ترین دوران‌هایی است که فرزندان با آن مواجه هستند، چرا که مرحله کودکی سپری شده و کودک با تغییرات فیزیکی و روحی جدی، وارد دوره جوانی می‌شود. (قائمی، ۱۳۶۴: ۱۳)

اگر پدران و مادران توفیق یابند که در این دوره، عشق همراه با معرفت را در فرزندان خود ایجاد کنند، تا حدود زیادی توانسته‌اند به رسالت خود در تربیت نسل ولایی عمل نمایند. پدر و مادر باید تمام سعی خود را مبذول دارند تا بتوانند با به‌کارگیری اصول صحیح تربیتی و ایجاد فضایی صمیمانه، نوجوان را که در خطرناک‌ترین مرحله عمر خود به سر می‌برد به سمت خود جلب نموده و با رعایت سطح درک و فهم او مسایل را با او در میان گذاشته و حل کنند.

توجه به تغذیه کافی و مناسب، توجه به استراحت و ورزش برای تخلیه انرژی‌های روانی و فشارهای روحی، توجه به مسائل جنسی و بلوغ او و توضیح آن به شیوه‌ای که برای او قابل فهم باشد، اهمیت دادن به شخصیت او، داشتن سعه صدر در مقابل رفتارهای زودگذر او از جمله مواردی است که باید والدین به آن اهتمام ورزند. (فرهادیان، ۱۳۸۵: ۶۱)

در این دوره نیز می‌توان از این روش‌های تربیتی کمک گرفت و ولایت مداری را با این روش‌ها به نوجوان آموخت: روش قصه‌گویی، روش مشاهده مستقیم، تمرین و تکرار، روش الگویی و روش پرسش و پاسخ.

دوران جوانی (۱۶ تا ۲۵ سالگی): دوره جوانی در نظام تربیتی اسلام، دوره وزارت و

مروری بر راهبردهای تربیتی معرفت امام زمان ... ❖ ۱۳۹

همراهی است. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴: ۵۲)

در این دوره جوان با عقل و منطق پیش می‌رود و چندان دنباله‌رو احساسات و عواطف نیست. اگر پدر، مادر و متولیان تربیتی توفیق یافته باشند تمام مراحل قبلی را با موفقیت طی کنند، جوان آنان، در این دوره به بالاترین مرحله تکامل اخلاقی می‌رسد که مرحله اخلاق مستقل و خودپیرو می‌باشد. در این مرحله تکامل، قوانین حاکم بر رفتار اخلاقی از درون فرد سرچشمه می‌گیرد؛ در حالی که در مراحل کودکی و نوجوانی، جامعه بیرونی غالب است. در واقع جوانی که تحت تربیت اصول صحیح قرار گرفته است، به مرحله‌ای می‌رسد که به صورت خودجوش و با الهام درونی، به دنبال ولی خدا حرکت می‌کند. (معین الاسلام؛ ۱۳۸۶: ۶۰ - ۳۷)

هیچ چیزی به اندازه وجود مبارک «امام زمان» (ع) و برپایی حکومت جهانی آن حضرت برای جوان پاک طینت جاذبه ندارد، زیرا تحقق تمام آرمان‌ها و آرزوهای بلند خود را در پناه برپایی حکومت جهانی حضرت می‌بیند؛ از این رو اگر صحیح تربیت شده باشد، به یک جریان قدرت‌مند برای زمینه‌سازی حکومت آن حضرت تبدیل می‌شود. زیرا جوان از سرمایه و امکاناتی چون قدرت بدن، هوش بالا، میل و رغبت به تزکیه نفس و احیای شخصیت معنوی خود بهره‌مند است. (قائمی، ۱۳۶۴: ۱۳)

جهت‌دهی این سرمایه‌ها و استفاده از این نیروی شگفت، کاری بسیار حساس و مشکل است. مربی باید با شناخت، ایمان، هم‌فکری، هم‌گامی با جوانان و با ادبیاتی جوان‌پسند و صبر بسیار و نیز با حفظ جنبه الگویی خود، به رسالت خطیر خود عمل کند. ضمناً متولیان تربیتی جوانان، باید به این نکته توجه داشته باشند که کوچک‌ترین اشتباه و بی‌توجهی آن‌ها می‌تواند سبب خارج کردن آن‌ها از مسیر «امام زمان» (ع) شود؛ به ویژه در دنیای امروز که دشمن در کمین آنان است.

خانواده می‌تواند با فراهم نمودن فرصت گردش و تفریح سالم، روحیه جوان را برای پذیرش معیارهای دینی حاکم بر خانواده آماده کند. مسئولیت دادن به آن‌ها و مهم شمردن

❖ ۱۴۰ نامه پژوهش فرهنگی

آن‌ها در تصمیمات زندگی نیز در مهار کردن روح طغیان در جوانان بسیار مهم است. از مهم‌ترین وظایف والدین در این دوره، توجه آن‌ها به مسأله ازدواج جوانان است که با راهنمایی‌های آنان می‌تواند به بهترین شکل صورت گیرد. والدین با ارشاد به موقع و نظارت‌های غیر مستقیم خود و نیز با تحمیل نکردن نظر خود، باید جوان را در انتخاب صحیح یاری کنند. پس باید والدین به موقع به این مهم مبادرت ورزند و با بهانه‌های واهی، مثل نبودن وسیع مالی، کار مناسب نداشتن، سربازی نرفتن، درس نخواندن، دانشگاه نرفتن، خانه و ماشین نداشتن و هزاران دلیل دیگر، این امر را به تأخیر نیندازند و تا حد امکان کمک مالی و فکری به آن‌ها نکنند.

کودکی که با سرشت پاک پا به عرصه وجود بگذارد و در محیط سرشار از مهر و عطوفت به رشد و بالندگی برسد، در دوره جوانی آنچنان از تعادل برخوردار است که به راحتی می‌تواند خود را در مسیر حق که با فطرت او عجین شده است، قرار دهد.

دوره بزرگسالی: دوره‌ای که معرفت دینی از طریق فقه و شریعت کسب می‌شود. (فضل الله، ۱۳۷۹: ۱۳۴) و فرد به میوه‌چینی و برداشت آنچه در این مدت کشت کرده است، می‌پردازد. اگر چه می‌توان به اندوخته‌های فرد در این دوره اطمینان کرد، ولی باز هم نمی‌توان او را بی نیاز از تربیت دانست. فرد تا پایان عمرش به مراقبت نیاز دارد تا در دام شیطان گرفتار نشود و آنچه کسب کرده است، به یکباره از دست ندهد.

در این دوران است که فرد ثمره تربیت خانوادگی‌اش را به عینه می‌بیند و در همسر و فرزندان و سایر افرادی که هر روز با آن‌ها در تعامل است تأثیر می‌گذارد و جامعه پیرامون خود را شکل می‌دهد.

نتیجه‌گیری

نتایج آنچه را که در این نوشتار با هم مرور کردیم می‌توان به اجمال در سطور زیر بیان کرد:

بدون شناخت کامل، ایمان و یقین حاصل نمی‌شود و دین بدون معرفت، ارزشی ندارد.

مروری بر راهبردهای تربیتی معرفت امام زمان ... ❖ ۱۴۱

معرفت «امام زمان» (ع)، پس از معرفت خدا و «پیامبر اکرم» (ص) یکی از مهم‌ترین اهداف تربیت دینی است و بدون آن تربیت دینی به هدف نهایی‌اش که همان قرب خداوند متعال است نایل نمی‌شود.

برای طراحی برنامه‌های راهبردی تربیتی موفق و قابل اجرا، باید ابتدا به مطالعه و آسیب‌شناسی وضع موجود و سپس به ارائه راهبردها برای رسیدن به وضع مطلوب پردازیم. در این راستا خانواده، مهم‌ترین رکن در تربیت دینی در بعد فردی محسوب می‌شود. فرد اگر در دامن خانواده به‌خوبی تربیت شود، به‌راحتی می‌تواند در اجتماع در مسیر مطلوب پیش رود و کمتر در معرض مخاطره قرار گیرد. در خانواده نیز مادر نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند و می‌تواند در سرشت کودک و هماهنگ کردن آن با اهداف تربیت دینی دخیل باشد. علاوه بر آن، والدین باید نهایت سعی خود را بنمایند تا فرزندشان با خوی مهدی‌باوری و مهدی‌باوری بار بیاید و این امر مستلزم داشتن شناختی کامل از امام «مهدی» (ع)، است. آن‌ها باید خود از این شناخت بهره‌مند باشند تا بتوانند آن را به کودکشان منتقل کنند.

برای دست یافتن به تربیت مهدوی فرزندان، باید در تمام مراحل ازدواج، انعقادنطفه، بارداری، تولد، شیر دهی، کودکی، نوجوانی و جوانی انتظار و محبت به امام عصر(ع) مورد اهتمام خانواده باشد.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- ابراهیم انیس و سایرین؛ ۱۳۹۲ ق، *المعجم الوسيط*، ج ۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم.
- اسماعیلی یزدی، ۱۳۸۵، عباس: فرهنگ تربیت. قم: مسجد مقدس جمکران. چاپ دوم.
- الفیروز آبادی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۰ ق، *القاموس المحيط*؛ بیروت: دار الفکر، چاپ جدید.
- باقری، خسرو؛ ۱۳۸۶، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران: وزارت آموزش و پرورش، چاپ اول.
- جوادی آملی، ۱۳۸۸، جامعه در قرآن. قم. نشر اسراء، چاپ دوم.
- جوادی آملی؛ ۱۳۷۸، *شریعت در آئینه معرفت*، ویرایش حمید پارسانیا، قم: نشر اسراء، چاپ دوم.
- جوادی آملی؛ ۱۳۸۷، *مراحل اخلاق در قرآن*، قم: نشر اسراء، چاپ هشتم.
- جوادی آملی؛ ۱۳۸۶، *معرفت شناسی در قرآن*، قم: نشر اسراء، چاپ چهارم.

❖ ۱۴۴ نامه پژوهش فرهنگی

- حر عاملی؛ ۱۴۰۹ ق، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، قم: مؤسسه آل البیت.
- حسین طهرانی؛ ۱۴۲۲ ق، امام‌شناسی، ۱۸ جلد. مؤسسه ترجمه و نشر دور و علوم و معارف اسلام مشهد.
- داوودی، محمد؛ ۱۳۸۳، *سیره تربیتی پیامبر(ص) و اهل بیت(ع)*، جلد ۲، تربیت دینی، زیر نظر علی اعرافی؛ قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
- رحیمی، فاطمه، دانشنامه جهان اسلام: واژه تربیت؛ ج ۷، ص ۲۷۹؛ تهران: بنیاد دائرة المعارف سال
- شاتو، ژان؛ ۲۵۳۵ شاهنشاهی مریان بزرگ؛ ترجمه غلامحسین شکوهی، تهران: دانشگاه تهران.
- شعاری نژاد، علی اکبر؛ ۱۳۶۴، *روان شناسی رشد*، تهران: اطلاعات.
- شمس، محمدجواد، دانشنامه جهان اسلام: تزکیه؛ ج ۷، ص ۲۸۱؛ تهران: بنیاد دائرة المعارف سال
- صدرالتألهین؛ ۱۴۱۹ ق، *الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه*، /چاپ پنجم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- علی اکبر دهخدا؛ ۱۳۷۷، *لغت نامه*، زیر نظر دکتر محمد معین و دکتر سید جعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران، چاپ دوم از دوره جدید.
- فرهادیان، ۱۳۸۵، رضا، مبانی تربیتی و شاخه‌های مهم در برنامه‌ریزی مدارس. قم: جمکران. چاپ اول.
- فضل‌الله، ۱۳۷۹، محمدرضا؛ درآمدی بر تربیت دینی با توجه به پیشرفت ادراکات دینی در کودکان و نوجوانان؛ ترجمه اسدی، فرزاد، معلم تربیت اسلامی (ویژه تربیت دینی)، به کوشش حاجی ده‌آبادی - محمدعلی و صادق‌زاده - علیرضا؛ تهران. نشر تربیت اسلامی وابسته به وزارت آموزش و پرورش. کتاب سوم. پاییز
- فلسفی، محمدتقی، بی‌تا، *کودک از نظر وراثت و تربیت*، مجموعه سخنرانیهای محمد تقی فلسفی، تهران: هیئت نشر معارف اسلامی، چاپ پانزدهم.
- قائمی، علی، ۱۳۶۸، *نقش پدر در تربیت*، تهران: انتشارات امیری، چاپ سوم.
- قائمی، علی، ۱۳۶۸، *نقش مادر در تربیت کودک*، تهران: انتشارات امیری، چاپ پنجم.

منابع و مأخذ ❖ ۱۴۵

- قائمی، علی، ۱۳۶۸، علی، خانواده و تربیت کودک، تهران.
- قائمی، علی، ۱۳۶۴، مجموعه بحثها در زمینه شناخت، هدایت و تربیت نوجوانان و جوانان، تهران: امیری، چاپ دوم.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ۱۳۶۵ ش، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کوئن، بروس؛ ۱۳۷۲، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضلی. تهران، سمت. چاپ اول.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴ ق، بحارالانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۸۴ ش، حکمت نامه جوان، ص ۵۲، دارالحدیث.
- مظاهری، ۱۳۸۷، حسین، تربیت فرزند در اسلام تهران. شرکت چاپ و نشر بین‌المللی. چاپ هشتم.
- معین الاسلام، مریم، زمستان ۱۳۸۶، فصلنامه انتظار: شماره ۲۲، (سایت مرکز تخصصی مهدویت)
- ۱۳۸۳، فلسفه تعلیم و تربیت؛ تهران: سمت، چاپ ششم.
- ۱۳۶۲، فرهنگ مصادر اللغة، تصحیح عزیز الله جوینی؛ تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ۱۹۹۲ م، المنجد، بیروت: دار المشرق، چاپ سی و سوم.